

" بررسی تطبیقی فرایند برنامه ریزی سازمانی در قران و ادب فارسی "

داوود قادرزاده

چکیده:

برنامه ریزی مهم ترین اصل از اصول مدیریت است که همه مدیران در همه سطوح سازمان به آن نیازمندند. برنامه ریزی در طول تاریخ مورد توجه بوده تا جایی قران به عنوان راهنمای بشریت به آن اهمیت ویژه ای داده است و اکثریت شاعران و دانشمندان ایرانی و فارسی زبان نیز در نوشته های خود به آن توجه ویژه ای داشته اند. در این پژوهش با روش توصیفی -تحلیلی با رویکرد تطبیقی و با استفاده روش کتابخانه ای- اسنادی به بررسی تطبیقی فرایند برنامه ریزی سازمانی در قران و ادب فارسی پرداخته ایم. و با بررسی برنامه ریزی در سازمان و اهمیت آن در قران و نوشته های دانشمندان ایرانی به این نتیجه رسیدیم که برنامه ریزی به عنوان اصلی از اصول مدیریت مورد توجه ویژه قران قرار گرفته و همگام با توجه ویژه قران به آن، ادبای پارسی نیز با قلم خود به آن توجه ویژه ای داشته اند و در بیشتر آثار اندیشمندان ایرانی حتی قبل از اسلام نیز اهمیت برنامه ریزی و ضرورت آن به منظور سعادت بشری به چشم می خورد.

واژه‌های کلیدی: اصول مدیریت ، برنامه ریزی سازمانی ،قران، ادب

Comparative study of organizational planning process in Quran and Persian literature

Abstract:

Planning is the most important principle of management that all managers at all levels of the organization need. Planning has been considered throughout history to the extent that the Qur'an as a guide to humanity has paid special attention to it and the majority of Iranian and Persian poets and scientists have paid special attention to it in their writings. In this research, with a descriptive-analytical method with a comparative approach and using the library-documentary method, we have made a comparative study of the organizational planning process in the Quran and Persian literature And by examining planning in the organization and its importance in the Qur'an and the writings of Iranian scientists, we came to the conclusion that planning as a main principle of management has been paid special attention to the Qur'an and at the same time with the Qur'an paying special attention to it, Persian literature with its pen Special attention has been paid to it and in most works of Iranian thinkers even before Islam, the importance of planning and its necessity for human happiness can be seen.

Key words: Principles of management, organizational planning, Quran, literature

مقدمه

اگر در شئون اجتماع انسانی و خواص و آثار آن دقت کنیم به نحوی درمی یابیم که نطفه‌ی اصلی " اجتماع " را طبیعت انسان تشکیل داده و بازهم همین طبیعت انسان است که شعب مختلف اجتماع را به وجود آورده است زیرا طبیعت انسانی طبق یک الهام الهی دریافته است که برای ادامه‌ی حیات و تکامل محتاج به همکاری با سایر افراد و انجام کارهای اجتماعی است، همین موضوع او را به تشکیل اجتماع و تطبیق افعال خود بر وضع اجتماعی وادار نموده است (طباطبایی، المیزان، ج ۱: ۴۷۲).

در میان همه وظایف مدیریت برنامه‌ریزی از اساسی‌ترین آن‌هاست که مانند پلی زمان حال را به آینده مرتبط می‌سازد. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی میان جایی که هستیم با جایی که می‌خواهیم به آن برویم پلی می‌سازد و موجب می‌شود تا آنچه را که در غیر آن حالت شکل نمی‌گیرد، پدید آید. از آنجایی که همه سازمان‌ها به دنبال آن هستند که منابع محدود خود را برای رفع نیازهای متنوع و رو به افزایش خود صرف کنند. پویایی محیط و وجود تلاطم در آن و عدم اطمینان ناشی از تغییرات محیطی بر ضرورت انکارناپذیر برنامه‌ریزی می‌افزاید. پیتز دراکر معتقد است که میان مؤثر بودن (انجام کارهای درست) و کارایی (درست انجام دادن کارها) تفاوت است و این دو در مراحل انتخاب هدف‌ها و آنگاه در چگونگی کسب آن‌ها توأم است (تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه ناجا، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

برنامه‌ریزی، فرآیند اساسی در مدیریت است که به تدریج حرکت می‌کند و یک رویکرد گام‌به‌گام است. فرآیند برنامه‌ریزی، شامل تعیین اهداف و مشخص کردن اقدامات آتی و موردنیاز برای دستیابی به این اهداف است. نمودار زیر فرآیند برنامه‌ریزی نشان داده شده است. برنامه‌ریزی یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت است و شامل پیش‌بینی اهداف سازمان و اقدامات لازم برای رویارویی با تغییرات احتمالی در حین دستیابی به این اهداف است. برنامه‌ریزی یک نظام تصمیم‌گیری است مبنی بر اتخاذ تصمیم در مورد اینکه سازمان چه برنامه‌ای برای آینده خود دارد.

در عصر ارتباطات و پیشرفت‌های شگرف برای کسب علم و دانش و رشد فکری و اجتماعی و معنوی و هر کاری، انسان نیاز به برنامه‌ریزی و تنظیم اوقات دارد. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی که برای بشریت آمده بر مسئله برنامه‌ریزی تأکید و پافشاری نموده است (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

از همان ابتدای طلوع خورشید اسلام، مدیریت در مورد توجه قرآن و پیامبر صلی‌الله علیه وسلم بوده است. نزول تدریجی و متناسب با مقتضیات زمانی قرآن، تأکید بر رهبری، نظم و انضباط و اطاعت از ولی امر از نمونه‌های مدیریت در قرآن است. داستان‌هایی نیز که از گذشتگان در قرآن در خصوص رهبری و مدیریت بیان شده است نمونه‌هایی از اهمیت مدیریت در قرآن است (مجیدی، ۱۳۹۸، ص ۲).

بررسی تاریخی زندگی بشر از ده‌ها سال پیش تاکنون، حاکی از نوعی برنامه‌ریزی در تهیه احتیاجات خود بوده است؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد برنامه‌ریزی به‌منزله جزئی از فطرت بشر است. دین اسلام به‌عنوان دین جامع و همه‌جانبه نگر، برنامه زندگی مسلمانان را در جهت رسیدن به سعادت حقیقی و جاودانه در آخرت، تنظیم می‌کند. در این میان، در تنظیم امور سازمان‌های جامعه، مدیران اسلامی، نیاز جدی‌تری به برنامه‌ریزی دارند. ضرورت برنامه‌ریزی مناسب از منظر دینی امری مؤکد است. از آنجاکه در مدیریت اسلامی، هدف نهایی، هدایت انسان به سوی بندگی خداست، تمام برنامه‌ریزی‌ها به آن هدف ختم خواهد شد. از اهداف مهم دیگر در طول این هدف در مدیریت اسلامی، قیام به قسط و عدل است؛ که بدون برنامه‌ریزی جامع و دقیق در سطح فردی و اجتماعی و دین‌محور، میسر نخواهد بود. ظرافت و دقت، اولویت‌بندی، تفکر و اندیشیدن، زمان‌بندی مناسب و آینده‌نگری از اصول برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی و برخوردارگی از توفیق الهی، اعتقاد به امکان حل مشکل، استفاده از تجارب دیگران و مشورت را از لوازم برنامه‌ریزی آرمانی در مدیریت اسلامی می‌توان برشمرد (عترت دوست، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶).

به‌نوعی برنامه‌ریزی جزئی‌تر دلالت دارد. برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه شده است؛ بطوریکه هر یک از نظریه‌پردازان سعی کرده‌اند با توجه به زمینه تخصصی خود آن را تعریف کنند. در ذیل چند مورد از این تعاریف ارائه شده است:

- ۱- برنامه‌ریزی عبارت است از تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد
- ۲- برنامه‌ریزی عبارت است از تعیین هدف و یافتن یا پیش‌بینی کردن راه تحقق آن
- ۳- برنامه‌ریزی عبارت است تصور و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و پیش‌بینی کردن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند (تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه‌بودجه ناجا، ۱۳۸۵، ص ۴۴).
- ۴- تعریف نسبتاً جامع دیگری از سیریل هودسن:

برنامه‌ریزی یعنی ارائه طریق بر عملیات آینده که متضمن نتایج معین با هزینه مشخص و دوره زمانی معلوم است (همان).

تعبیری که در مورد برنامه‌ریزی وجود دارد مختلف است اما آینده مداری، آمادگی برای آینده، جهت‌دهی و تصمیم‌گیری از خصوصیات بارز آن توصیف می‌شوند (سید عبودی، ۱۳۸۷، ص ۳). اهمیت برنامه‌ریزی به‌عنوان عامل اصلی در فرآیند مدیریت، پذیرفته شده است. برنامه‌ریزی نه تنها ثبات و اطمینان را برای کسب‌وکار و سازمان به ارمغان می‌آورد، بلکه به معنای هدف و جهت یکپارچه برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده نیز است. دلایل اصلی حمایت از برنامه‌ریزی سیستماتیک توسط مدیران:

- جهت‌دهی: برنامه‌ریزی یک وحدت هدف را فراهم می‌کند و همه منابع را برای رسیدن به اهداف مشترک گرد هم می‌آورد. بدون برنامه‌ها و اهداف، سازمان‌ها به رویدادهای روزمره به‌صورت تک‌کاره و بدون در نظر گرفتن فرصت‌های بلندمدت پاسخ خواهند داد.
- کمبود منبع: بحران منابع چالش بزرگی برای سازمان‌ها است. مدیران وظیفه بهینه‌سازی خروجی منابع محدود

مروری بر تحقیقات انجام شده در خصوص مدیریت و رهبری در جوامع غربی نشان می‌دهد که رویکردهای جدید رهبری و مدیریت غربی توجه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی را عاملی اثربخش جهت نیل به اهداف پدیدآورنده مانند صداقت، تعهد، وفاداری، تواضع و عدالت که در دیدگاه اسلام مبانی اساسی در روابط رهبران و پیروان (در هر سطح) به شمار رفته و از بدو ظهور اسلام به‌وسیله‌ی پیامبر (ص) و سپس اصحاب آن حضرت مورد توجه اکید قرار گرفته تازگی مورد توجه صاحب‌نظران علوم مدیریت در غرب قرار گرفته‌اند به عبارت دیگر مدیریت غربی در حال نزدیک شدن به رویکرد اسلامی مدیریت است.

فقیه نیا و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی جایگاه برنامه‌ریزی از دیدگاه قرآن و عترت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در تنظیم امور سازمان‌های جامعه، مدیران نیاز جدی به برنامه‌ریزی دارند. ضرورت برنامه‌ریزی مناسب از منظر دینی امری

ما خلقت الجن والانس « مؤکد است. از آنجاکه در مدیریت اسلامی هدف نهایی، هدایت انسان به سوی بندگی خداست الایعبدون تمام برنامه‌ریزی‌ها به آن هدف ختم خواهد شد.

مجیدی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تطبیقی اصول مدیریت در قران و ادب فارسی پرداخت که نتایج پژوهش اسناد مرتبط مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که در قران و متون فارسی اشارات فراوانی به اصول مدیریت شده است اصولی که اندیشمندان غربی تازه به آن دست یافته‌اند در حالی که در قران و در نوشته‌های اندیشمندان، ادبا و شاعران ایرانی از قرن‌ها پیش به آن اشاره شده است.

با توجه به مباحث مطرح شده، در این پژوهش ضمن بررسی برنامه‌ریزی در سازمان و مدیریت، به بررسی تطبیقی آن با برنامه‌ریزی در اسلام پرداخته‌ایم.

۱. برنامه‌ریزی در سازمان

در متون مدیریتی گاهی دو واژه **planning, programming** را به جای یکدیگر به کار می‌برند؛ در حالی که **programming**

- انسانی، منابع مادی و مالی را از طریق برنامه‌ریزی هوشمند انجام می‌دهند، در غیر این صورت، ناکارآمدی، باعث افزایش قیمت‌ها و کمبود شدید منابع می‌شود.
- عدم قطعیت: عدم قطعیت یک چالش عمده حتی برای برنامه ریزان هوشمند است. سازمان‌ها به‌طور مداوم در زمان انجام وظایف خود با عدم قطعیت‌های خرد و کلان اقتصادی مواجه هستند. برنامه‌ریزی به مدیران کمک می‌کند تا چنین تغییراتی را پیش‌بینی کنند و این چالش‌ها را برطرف کنند (سید عبودی، ۱۳۸۷، ص ۳).
- ۲. انواع برنامه‌ریزی
- برنامه ریزان، منابع مختلف را در یک سازمان به نتایج خاصی برای تحقق اهداف آینده اختصاص می‌دهند. بسیاری از برنامه‌های مختلف توسط مدیریت برای نظارت و کنترل فعالیت‌های سازمانی اتخاذ شده است. به چنین برنامه‌هایی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند سلسله مراتبی، تعداد استفاده (تکرار) و برنامه‌های احتمالی است.
- ۱- برنامه‌های استراتژیک: شامل تجزیه و تحلیل فرصت‌های رقابتی و تهدیدات و همچنین شناخت نقاط قوت و ضعف سازمان و تعیین نحوه مواجهه مؤثر سازمان با خطرات محیط زیستی است. برنامه‌های استراتژیک، چارچوب و دید سازمان را تعریف می‌کنند و چگونگی تبدیل دیدگاه به واقعیت را سازمان در نظر می‌گیرد (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷، ص ۳۴).
- تعیین اهداف بلندمدت یک شرکت، برنامه عملیاتی است که باید پذیرفته شود و منابع برای دستیابی به این اهداف بسیج می‌شوند.
- از آنجاکه برنامه‌ریزی جهت پیشرفت شرکت است، توسط مدیریت ارشد سازمان انجام می‌شود.
- اساساً بر روی برنامه‌ریزی برای سال‌های آینده تمرکز دارد تا سازمان را از جایی که امروز در آن قرار دارد، به جایی که قصد دارد باشد قرار دهد.
- برنامه استراتژیک باید روبه‌جلو، مؤثر و انعطاف‌پذیر، با توجه به انطباق رشد آینده تمرکز داشته باشد.
- این برنامه‌ها چارچوب و جهت برنامه‌ریزی سطح پایین را فراهم می‌کنند.
- ۲- برنامه‌های تاکتیکی: طرح استراتژیک بزرگ‌تر را ایجاد می‌کند این طرح‌ها اغلب کوتاه‌مدت هستند و توسط مدیران سطح میانی انجام می‌شود (همان).
- برنامه‌های تاکتیکی، تاکتیک‌هایی را که مدیران برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده در برنامه استراتژیک، اتخاذ کنند، توصیف می‌کند. طرح‌های تاکتیکی:
- دارای یک دوره زمانی کوتاه (معمولاً کمتر از ۳ سال) هستند و معمولاً توسط مدیران سطح میانی توسعه می‌یابند.
- این جزئیات ابزار خاص یا برنامه‌های عملیاتی را برای اجرای طرح استراتژیک توسط واحدهای درون هر بخش مشخص می‌کند.
- برنامه‌های تاکتیکی مستلزم جزئیات منابع و تخصیص کار در میان زیر واحدها در هر بخش است (همان).
- ۳- برنامه‌های عملیاتی: تمام اهداف سازمان را پوشش می‌دهد و اقدامات و مراحل اقدام را برای برنامه‌ریزی استراتژیک انجام می‌دهد. برنامه‌های کوتاه‌مدت معمولاً کمتر از یک سال می‌باشند. برنامه‌های عملیاتی، برنامه‌های کوتاه‌مدت (کمتر از یک سال) برای ایجاد گام‌های عملی خاص است که از برنامه‌های استراتژیک و تاکتیکی حمایت می‌کنند. برنامه‌ریزی عملیاتی را می‌توان پیش‌بینی عملیات برای نیل به هدف‌های معین

از آن‌ها، حذف یا جایگزین می‌شوند، برای مثال برنامه‌ها، پروژه‌ها و بودجه‌ها (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

برنامه‌ریزی در قرآن

قرآن کریم ضرورت مدیریت را در موارد گوناگون و با شکل‌ها و شیوه‌های خاصی بیان می‌دارد تا جامعه بشری را به این اصل اساسی متوجه سازد. مطالعه در داستان‌های قرآن که حامل سرگذشت پیامبران بزرگ و مردان برجسته تاریخ است. این معنا را بهتر روشن می‌کند.

از داستان‌های پرشور قرآنی که در بردارنده نکته‌های فراوان و آموزش‌های بسیاری در زمینه‌های گوناگون است داستان حضرت ابراهیم (ع) است. در این داستان موضوع امامت و رهبری ابراهیم (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد.

«وَاذْأَبْتَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتِ فَاتِمَهْنَ قَالَ اِنِّى جَاعِكُ لِلنَّاسِ اَمَامَا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِى قَالَ لَآ اِنَالُ عَهْدِى الظَّالِمِىْنَ» (سوره بقره آیه ۱۲۴)

و آنگاه که خداوند، ابراهیم را به انواع فرمان‌ها آزمایش کرد و با سرافرازی از آزمایش بیرون آمد از جانب خداوند به او گفته شد من تو را به امامت و مدیریت مردم برگزیدم. ابراهیم گفت: آیا این پیشوایی به فرزندان من خواهد رسید، فرمود: اگر دارای صلاحیت باشند، وگرنه امامت و مدیریت من به ستمگران نمی‌رسد.

خداوند در قرآن کریم در سوره روم، آیه ۲۰ چنین می‌فرماید:

وَمِنْ اٰیٰتِهٖ اَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُوْنَ (سوره روم: ۲۰)

«و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید پس به ناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید»

بعد از آفرینش انسان به این نکته برمی‌خوریم که خداوند بزرگ، دنیایی با این عظمت را برای انسان‌ها خلق کرده است. همان‌طور که در سوره‌ی مؤمنون آیات ۱۷، ۱۸، و ۱۹ چنین می‌فرماید:

با توجه به امکانات و محدودیت‌ها و خطوط کلی ترسیم‌شده در برنامه‌ریزی جامع تعریف کرد. هدف و پیش‌بینی عملیات اجزای برنامه‌ریزی عملیاتی هستند. هدف عبارت است از نقطه‌ای که کوشش‌ها معطوف رسیدن به آن است در برنامه‌ریزی می‌توان هدف را نتیجه نهائی عملیات دانست که مقصود برنامه‌ریز نیل به آن است. هدف در برنامه‌ریزی عملیاتی باید مشخص، جزئی، قابل‌سنجش و واقع‌بینانه باشد. به عبارت دیگر هدف‌های عام و کلی، غیرقابل‌سنجش و غیرعملی، برای برنامه‌ریزی مفید نخواهد بود پس از آن که هدف مورد نظر انتخاب شد باید به پیش‌بینی عملیات برای نیل به آن پرداخت. پیش‌بینی با روش‌های مختلف امکان‌پذیر است و تکنیک‌های مختلفی برای آن ابلاغ گردیده است که از جمله آن می‌توان به روش‌های پیش‌بینی قضاوتی (استفاده از نظرات افراد و خبرگان (پیش‌بینی روند گذشته) تجزیه و تحلیل علت و معلولی بررسی روابط بین متغیرها و میزان همبستگی و ارتباط بین آن‌ها) اشاره نمود. برنامه‌های عملیاتی:

- معمولاً توسط مدیر برای تکمیل کردن مسئولیت‌های شغلی ایجاد می‌شوند.
- توسط سرپرستان، رهبران گروه و تسهیل‌کننده‌ها برای پشتیبانی از برنامه‌های تاکتیکی توسعه می‌یابد.
- عملیات روزمره یک سازمان را مدیریت می‌کنند.

برنامه‌های عملیاتی می‌توانند:

- برنامه‌های ثابت: برای پوشش مسائلی که مدیران با آن‌ها مواجه هستند، به‌عنوان مثال سیاست‌ها، رویکردها، قوانین می‌باشند.
- برنامه‌های در حال انجام: آماده شدن برای شرایط یا مشکلات استثنایی است و معمولاً پس از یک استفاده

بشر می‌فرستد و هرگز انسان‌ها را بدون مدیر و راهنما و رهبر نمی‌گذارد. گرچه آنان بیشتر داعیه‌ی معنوی داشته‌اند، اما در حدّ متشابهی در مدیریت اجتماعی موفق بوده‌اند و جوامع بسیط روزگاران گذشته را به‌سوی رشد و پویایی و تکامل سوق داده‌اند. منظور از مدیریت اسلامی آن است که در عمل و اجرا و هدف، عدالت اجتماعی را موردنظر قرار دهد و مقصود نهایی آن کسب رضایت خداوند باشد و خدمت به خلق را نوعی عبادت بداند و زندگی و معیشت افراد هم در همین راستا تأمین شود (نصیری و هم کاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴).

فخر رازی در ذیل آیه «والعصر انّ الانسان لفی خسرٍ» (سوره عصر آیه ۷) به عصر سوگند که انسان‌ها هم در زیان‌اند. «چنین می‌گوید: «یکی از بزرگان پیشین می‌گوید: معنی این سوره را من از مرد یخ فروشی آموختم که فریاد می‌زد و می‌گفت: «ارحموا من یدوب رأس ماله ارحموا من یدوب رأس ماله؛ رحم کنید به کسیکه سرمایه‌اش ذوب می‌شود، رحم کنید به کسی که سرمایه‌اش ذوب می‌شود.» پیش خود گفتم: این است معنی «انّ الانسان لفی خسرٍ» عصر و زمان بر او می‌گذرد و عمرش پایان می‌گیرد و ثوابی کسب نمی‌کند و در این حال زیانکار است.» (فخر رازی، ۱۳۷۱، ص ۸۵).

در قرآن کریم به برنامه‌ریزی عنایت زیادی شده است. دستورهایی که در آیات و احادیث آمده، بیانگر این ضرورت است.

ذَلِكِ الْكِتَابُ لِرَبِّ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره: ۲)

« این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوای پیشگان است »

«ذَلِكِ الْكِتَابُ» یعنی این کتاب بزرگ کتابی حقیقی است و مشتمل بردانشی گسترده و حقیقتی روشن است که کتاب‌های گذشتگان و آیندگان از آن بی‌بهره بوده‌اند. پس «لَا رَيْبَ فِيهِ» یعنی هیچ شکی در آن نیست، و نفی شک مستلزم ضد آن است و ضد شک، و نفی شک پس این کتاب مشتمل بر علم یقینی است که شک و گمان را از بین می‌برد. و این یک قاعده است که «هرگاه نفی به قصد مدح و ستایش بکار رفت باید متضمن ضد خویش که

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (سوره مؤمنون: ۱۷)

« ما بر فراز شما هفت آسمان آفریده‌ایم و (باوجود کرات و کواکب و سیارات بشمار و بالاخره عالم‌های بسیار) ما از کار آفرینش و وضع آفریدگان (خود) غافل نبوده و نیستیم (و از جمله خلقت انسان برای ما ساده، و آگاهی از او آسان است).»

طرائق یعنی طبقاتی که یکی فوق دیگری، یا در فراسوی دیگری است. چه‌بسا در اینجا مراد هفت مدار نجومی باشد. یا مقصود منظومه‌هایی همچون منظومه شمسی و یا هفت توده سحابی‌ها باشد. سحابی‌ها توده‌هایی از ستارگان هستند، همان‌گونه که ستاره شناسان می‌گویند... به‌هرحال، طرائق هفت آفریده نجومی هستند که بالای سر انسان‌ها قرار دارند؛ یعنی سطح آن‌ها بالاتر از سطح زمین در این فضا می‌باشند. خدا آن‌ها را از روی تدبیر و حکمت آفریده است و آن‌ها را با قانون قابل‌ملاحظه‌ای محفوظ و مصون داشته است (سید قطب، ۱۳۹۰).

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ (سوره مؤمنون: ۱۸)

«و از آسمان آبی به‌اندازه [معین] فرود آوردیم و آن را در زمین جای دادیم و ما برای از بین بردن آن مسلماً توانایییم»

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاقِهِ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (سوره مومنون: ۱۹)

«پس برای شما به‌وسیله آن باغ‌هایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آن‌ها برای شما میوه‌های فراوان است و از آن‌ها می‌خورید»

خداوند با این برنامه انسان‌ها را آفرید و جهانی به این عظمت برای آن‌ها خلق کرد تا آن‌ها بتوانند با آسایش زندگی کنند و انسان‌ها را خلیفه‌ی خود قرارداد و برای انسان‌ها از نوع خودشان رسولانی را فرستاد تا برای رسیدن به هدف واقعی، راهنما و هدایتگر انسان‌ها باشند. از این مطلب می‌توان فهمید که مدیریت در جوامع بشری آن‌قدر مهم است که خداوند رسولانی را برای سرپرستی و هدایت

چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد کبر ورزیدید گروهی را دروغ گو خواندید و گروهی را کشتید»

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (سوره بقره: ۸۸)

«و گفتند دل‌های ما در غلاف است [نه چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان لعنتشان کرده است پس آنان که ایمان می‌آورند چه اندک شمارند»

«وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ» و گفتند: دل‌های ما در پوشش است. یعنی وقتی که آن‌ها را به‌سوی ایمان فراخوانی، عذرخواهی نموده و می‌گویند: دل‌هایمان در پوشش است؛ یعنی بر دل‌هایشان پوشش و پرده‌هایی قرار دارد. پس دل‌هایشان آنچه را تو می‌گویی نمی‌فهمد و به گمانشان این عذر از آن‌ها پذیرفته‌شده و جاهل و نادان و غیرمکلف قلمداد می‌شوند، درحالی که آنان دروغ می‌گفتند.

بنابراین خداوند متعال فرمود: «بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ» بلکه خداوند به سبب کفرشان آن‌ها را لعنت کرده است؛ یعنی آن‌ها به سبب کفرشان ملعون و رانده شده هستند، پس تعداد کمی از آنها ایمان می‌آورند. یا می‌توان گفت معنی آیه چنین است: ایمانشان کم است و کفرشان زیاد. ناصرالسعدی، ۱۳۳۴، ص ۷۸.

همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر به تدبیر و برنامه‌ریزی اشاره می‌کند:

فَالمدت برات امرأ «پس سوگند به تدبیر کنندگان کارها» سوره نازعات

خداوند در این آیه به فرشتگان اداره‌کننده کارها سوگند یاد می‌کند، خداوند خود نیز مدیر است

همان‌طور که جهان آفرینش دارای برنامه خاصی است که کوچک‌ترین انحراف از آن موجب فساد و نابودی می‌گردد، زندگی افراد انسان نیز باید در همه‌ی جزئیات طبق برنامه‌ی صحیحی صورت گیرد. هدف از بعثت پیامبران نیز مشخص ساختن این برنامه‌ها و اجرای آن‌هاست. بدیهی است این برنامه‌ها در بسیاری از

همان کمال است، باشد. زیرا نفی به‌مثابه عدم است و عدم محض هیچ مدحی در آن نیست.»(ناصرالسعدی، ۱۳۳۴، ص ۱۲).

از آنجاکه قرآن مشتمل بر یقین است و هدایت نیز جز با یقین حاصل نمی‌گردد، فرمود: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» هدایت به معنی بینش و بصیرتی است که در پرتو آن گمراهی و سردرگمی را تشخیص دهیم (و از آن دوری جویم) و راه‌های پر خیر و منفعت را در پیش بگیریم. و فرمود: «هُدًى» و معمول را حذف کرد، زیرا هدف از آن عموم است و اینکه قرآن هدایتی است برای دنیا و آخرت. پس این کتاب‌بندگان را در اصول و فروع راهنمایی کرده و حق را از باطل جدا می‌کند و صحیح را از خطا تمییز می‌دهد و چگونگی در پیش گرفتن راه‌هایی که آنان را در دنیا و آخرت به سرمنزل مقصود می‌رساند بیان می‌کند (پاشایی، ۱۳۹۰، ص ۹۶).

این آیه اشاره به همان برنامه و نقشه کاری است که خداوند به پیامبرش داده بود تا به‌وسیله‌ی آن بشر را راهنمایی کند و هدف از خلقت را برای انسان‌ها بیان نماید. هر چه بیشتر این نقشه کار و اهدافی که خداوند در قرآن برنامه‌ریزی نموده، تحلیل شود، می‌توان هر بار مطلبی تازه‌تر از آن برداشت نمود. برنامه‌ریزی، راهنمایی است برای مدیرانی که همیشه در جستجوی حق و طریق رشد و تکامل اهداف سازمان خود هستند. البته توجه به این اصل برای همگان ضروری و الزامی است و علت این که آن را راهنمایی مدیران شایسته خوانده‌اند این است که آن‌ها در برابر مطالب حق تسلیم‌اند و از آن پیروی می‌کنند، لذا به همان نسبت به درجات هدایت کارکنان آن‌ها افزوده می‌شود. (همان)

در آیه‌ای دیگر قرآن می‌فرماید:

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (سوره بقره: ۸۷)

«و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح‌القدس تائید کردیم پس چرا هرگاه پیامبری

جامعه‌ی انسانی برای برقراری نظم به وضع قانون تن داده و برای کنترل اجتماع انتصاب یا انتخاب حاکم یا مدیر را پذیرفته است (طباطبایی، ۶۴، ص ۴۷۲).

لذا تمام تلاش علمای مدیریت مصروف بهبود کار و نتایج حاصل از آن بوده است و در تمام این تحقیقات آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید بهره‌وری بیشتر و سود جستن بهتر از دستاورد انسان است به طوری که هدف اصلی بهره‌وری از انسان به عنوان یک وسیله برای افزایش سرمایه یا ایجاد کار در جامعه است اما مبنای نظری و عملی مدیریت از منظر اسلام باهدف مکاتب انسانی فرق اساسی دارد و آن اهمیت دادن به انسان نه به علت بهره‌وری معرف بلکه به سبب شرافت کرامت و تعالی اوست. اختلافاتی که در مکتب‌های مختلف در این مورد وجود دارد مربوط به نیاز خصوصیات رهبران و نحوه گزینش آن‌ها است. تاریخ بیشتر از هر چیز دیگر اهمیت و نقش رهبران و مدیران را ترسیم کرده است، به طوری که برخی از مورخین و نویسندگان تمام پیروزی‌ها و شکست‌ها، سازندگی‌ها و ویرانگری‌ها و بالاخره سعادت و شقاوت بشر را در طول تاریخ مرهون رهبری‌های صحیح یا ناصحیح دانسته‌اند و هیچ عاملی را چون مدیریت و رهبری برای سعادت و تعالی انسان مؤثر و نافذ نمی‌دانند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۱ ص ۱۵).

دین اسلام به عنوان دین جامع و همه‌جانبه نگر، برنامه زندگی مسلمانان را در جهت رسیدن به سعادت حقیقی و جاودانه در آخرت، تنظیم می‌کند. در این میان، در تنظیم امور سازمان‌های جامعه، مدیران اسلامی، نیاز جدی‌تری به برنامه‌ریزی دارند. ضرورت برنامه‌ریزی مناسب از منظر دینی امری مؤکد است. از آنجاکه در مدیریت اسلامی، هدف نهایی، هدایت انسان به سوی بندگی خداست، تمام برنامه‌ریزی‌ها به آن هدف ختم خواهد شد. از اهداف مهم دیگر در طول این هدف در مدیریت اسلامی، قیام به قسط و عدل است؛ که بدون برنامه‌ریزی جامع و دقیق در سطح فردی و اجتماعی و دین‌محور، میسر نخواهد بود. ظرافت و دقت، اولویت‌بندی، تفکر و اندیشیدن، زمان‌بندی مناسب و آینده‌نگری از اصول برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی و برخورداری از توفیق الهی، اعتقاد به امکان حل مشکل، استفاده از تجارب دیگران و مشورت را

موارد برخلاف امیال و هواهای نفسانی مردم خواهد بود و قطعاً باید بدون توجه به مخالفت‌های این افراد، برنامه‌ها و اهداف تعیین شده تعقیب و تکمیل گردد.

اصولاً معنی مدیریت صحیح چیزی جز این نیست، یعنی برنامه‌ریزی دقیق بر اساس معیارهای اسلامی و سعی در اجرای آن‌ها توسط مدیر و همکاران برای تحقق اهداف سازمان و کارایی مطلوب.

آن روز که حضرت موسی (ع) در یک مأموریت خدایی عازم کوه طور بود و برای مدت چهل روز از قوم بنی‌اسرائیل فاصله می‌گرفت. برادرش هارون را به عنوان جانشین خود در میان آن مردم معرفی کرد و مدیریت و رهبری امت خود را به او سپرد تا تداخل در مسئولیت‌ها ایجاد نشود و شیرازه جامعه از یکدیگر نپاشد.

«و قال موسی لایخیه هارون اخلفنی فی قومی» (سوره اعراف آیه ۱۴۲)

موسی به برادرش هارون گفت: تو در میان قوم من جانشینم باش.

برنامه‌ی در قرآن کریم در سه نوع کوتاه‌مدت (مثل دوران جنینی تا شیر دادن طفل)، میان‌مدت (از کودکی تا رشد انسان) و بلندمدت ارائه شده‌اند (از رشد عقلی و جسمی تا حصول بهشت) برنامه‌های قرآنی در دو نوع فراگیر و جامع و عملیاتی ارائه گردیده برنامه‌های قرآنی در دو نوع فراگیر و جامع و عملیاتی ارائه گردیده برنامه‌های قرآنی در سه نوع کوتاه برد و میان برد و غائی، ارائه شده است.

در قرآن به دو نوع برنامه اشاره شده برنامه فلاح و درستکاری - برنامه بدبختی و عذاب؛ و برای هر دو نوع نمونه‌هایی از اقوام پیشین آورده شده. برای برنامه فلاح رستگاری یک مسیر صراط مستقیم است که بزرگراه و سایر اعمال حسن (سبیل الله) هستند که به این شاهراه ختم می‌شوند.

برای برنامه بدبختی و شقاوت هم دو راه قیدشده - راه آنان که خدا بر آنان غضب کرده و راه آنان که گمراه شدند و هر دو راه به بزرگراه دوزخ ختم می‌شوند (آراسته، ۱۳۸۸، ص ۳۳).

در قرن سوم هجری و بعد از آن، فرهنگ ایرانی تحت تأثیر فرهنگ اسلامی شکوفا گردید و آثار بسیاری دربارهٔ اداره امور و کشورداری تألیف شد که حاوی درس‌ها و تجربیات مدیریتی بوده‌اند. کتاب‌های تاریخی اگرچه به نظر نمی‌آید که با مدیریت وجه اشتراکی داشته باشند، لیکن در حقیقت سرگذشت مدیریت‌ها و سرگذشت نامه مدیران هستند؛ زیرا صفحات تاریخ را کسانی رقم زده‌اند که مصدر امور بوده و مدیریت را به عهده داشته‌اند. بنابراین کتاب‌های تاریخی، خود از این دیدگاه، کتاب‌های مدیریتی نیز هستند (رنجبر کله‌رودی، ۱۳۸۳).

سعدی اگرچه جامعه پیرامون خود را به دقت می‌شناسد با وجود این به اصطلاح به عنوان جامعه‌شناس شناخته نمی‌شود. لیکن مسائل اجتماعی و مدیریتی، تربیتی، اقتصادی و ... عصر خود را با ریزینی تمام مورد بررسی قرار داد است (رنجبر کله‌رودی، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

اگر همه‌ی پیام سعدی را در حوزه‌ی مدیریت بخواهیم کوتاه کنیم چنین خواهد بود که عدالت باید در خدمت رفاه خلق باشد. آنچه ما از مدیرانمان انتظار داریم نیز جز توسعه‌یافتگی جامعه نیست. باید نیازهای اولیه برطرف شود تا بتوان به شاخص‌های بالاتری رسید. سعدی حکایتی در گلستان دارد به این صورت یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تظاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید ظلمش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند. چون رعیت کم شد ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزینه تهی ماند و دشمنان زور آوردند (مجیدی، ۱۳۹۸، ص ۹).

سعدی در اینجا سخن از جایجایی نیروها بر اثر سوء مدیریت می‌گوید. بر اثر این سوء مدیریت کشاورزی نقصان می‌پذیرد. این مسئله از نظر پویایی سیستم‌ها مهم است. در ادامه، بزرگان به آن پادشاه می‌گویند: «ای ملک ... تو مر خلق را پریشان برای چه می‌کنی؟ مگر سر پادشاهی کردن نداری؟». سعدی استراتژی راهبردی آن پادشاه را نادرست می‌داند. ما می‌دانیم که در مدیریت از ۵ منبع قدرت نام برده شده است، قدرت قانونی، قدرت تنبیه، قدرت بر پایه پاداش دادن، قدرت بر اساس تخصص و سرانجام

از لوازم برنامه‌ریزی آرمانی در مدیریت اسلامی می‌توان برشمرد (آقایی و شاه بازاده، ۱۳۹۶، ص ۵).

ادبیات فارسی و برنامه‌ریزی در مدیریت

ادبیات و اجتماع از دیرباز رابطه تنگاتنگی باهم داشته‌اند و ادبیات در حقیقت بازتاب تحولات اجتماع است. در آثار به جای مانده از دوران قبل از اسلام، بعضی از آثار به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای اداره امور و مدیریت توصیه‌ها و فرمان‌هایی آورده شده است،

کلیله و دمنه کتابی است که در قرن ششم نوشته شده و اصول و قوانین حکومتی و اخلاقی را توأمان در قالب حکایت تبیین کرده است. این اثر علاوه بر جنبه‌های ادبی، آموزه‌های اخلاقی و مدیریتی بی‌شماری دارد. نصر اله منشی به بسیاری از اصول اخلاق مدیریتی اشاره کرده است که با بررسی و به کارگیری آن می‌توان بسیار استفاده کرد. از میان این اصول اخلاقی - مدیریتی، ده اصل بسیار چشم‌نواز است. این اصول به این قرارند: برقراری عدالت، توأمان بودن دین و ملک، داشتن خرد و دانش در امور، حزم و دوراندیشی جامع، داشتن خلاقیت و ابتکار، تعجیل در تدارک امور و دوراندیشی، پرهیز از ستم و ظلم، لزوم رایزنی با اطرافیان، رعیت‌پروری، تشویق و تنبیه (شیخ لووند و مستعلی زاد ۱۳۹۵).

پس از ظهور دین مبین اسلام و ورودش به ایران، آثار تألیف شده تحت تأثیر دین مقدس اسلام قرار گرفتند. بعضی از آثار تألیف شده در قرون اولیه تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قبل از اسلام بوده است که نمونه بارز آن شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی است. با وجود اینکه در شاهنامه در حقیقت، تاریخ و اسطوره درهم آمیخته است، لیکن در جای‌جای آن نکات مدیریتی و توصیه‌هایی برای اداره بهتر امور آمده است. این مطالب، به ویژه در بخشنامه‌ها در دستورالعمل‌هایی که تحت عنوان اندرزنامه‌های شاهان به کارداران و کارگزاران و سرداران در شاهنامه آمده، بیشتر جلوه‌گر است. زندگی حکام و فرمانروایان اعصار گذشته تاریخ مدیریت و بیانگر سیر تکوین آن است. به عنوان مثال اندرزنامه زیر که بهرام گور برای کارداران خود صادر کرده است، نمونه یک دستورالعمل کامل مدیریتی است (آذرنوشی، ۱۳۸۶).

این سکر بین هل عقل را وین نقل بین هل نقل را کز بهر نان
و بقل را چندین نشاید ماجرا

تدبیر صد رنگ افکنی بر روم و بر زنگ افکنی و ندر میان جنگ
افکنی فی اصطناع لایری

می مال پنهان گوش جان می نه بهانه بر کسان جان رب
خلصنی زنان والله که لاغست ای کیا.

سعدی دربیانی زیبا از ضرورت هدف و برنامه‌ریزی می‌گوید:

شب گور خواهی منور چو روز از اینجا چراغ عمل بر فرورز

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و روش
جمع‌آوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای، اسنادی بوده است و برای به
دست آوردن نتایج پژوهش اسناد مرتبط مورد تحلیل قرار گرفته
است.

۴. یافته‌ها

انسان در زندگی روزمره برای انجام امور و نظم و پیشرفت، نیاز به
برنامه‌ریزی دارد، که از علوم تحول اجتماع، محسوب می‌شود و آن
را می‌توان تدبیر دانسته‌ها با افکاری منظم و حساب‌شده و منطقی
دانست که برای به دست آوردن این منطق منظم نیاز به مشورت،
تدبیر و عاقبت‌نگری، مقابله با شایعه‌پراکنی و... است. که بزرگان
ادب فارسی هر کدام به‌گونه‌ای به آن پرداخته‌اند و از زاویه‌ی دیدی
به آن نگریسته‌اند. نویسندگان کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه از جمله‌ی
برنامه‌ریزانی هستند که از زبان حیوانات برنامه‌ریزی را در قالب
گفت‌وگوهای عادی گنجانده‌اند که با نگاهی ادبی سعی شد، پرده
از این راز برداشته شود.

در شاهنامه‌ی فردوسی هر فردی نمی‌تواند پادشاه شود و لیاقت
شهریاری را ندارد مگر اینکه صاحب امتیازاتی از جمله خردمند،
دادگری، هنر، فر و نژاد باشد. برای شاهزادگان پرورش جسم تنها
کافی نیست بلکه باید به پرورش فکر نیز بپردازند آن‌ها باید کارهای

قدرت ناشی از مقبولیت در نزد دیگران. چنین قدرتی امکان تحول
را می‌دهد و سعدی به نوع پنجم قدرت نظر دارد.
وقتی سعدی می‌گوید «مراعات دهقان کن از بهر خویش/ که مزدور
خوشدل کند کار بیش»، به یک اصل مدیریتی اشاره می‌کند. اصولاً
عملکرد هر انسانی را حاصل ضرب توان او ضرب در تمایل او می‌دانند.
به زبان دیگر، شایستگی ما ضرب در انگیزش ما. سعدی ما را از یک
غفلت بر حذر می‌دارد و می‌گوید چنان چه سیستم و مقرراتی برای
کارکنان بسازید، ضرورتاً به عملکرد عالی نخواهید رسید.

تصمیم‌ها ما را به انواع برنامه‌ها می‌کشانند. مدیریت به ما می‌آموزد
که فرصت‌ها دریابیم. بحران‌ها هم فرصت‌هایی هستند که یا
شناسایی نشده‌اند و یا با آن‌ها درست برخورد نشده است. صرف
داشتن برنامه هم کفایت نمی‌کند، داشتن قدرت اجرا هم مهم است.
سعدی می‌گوید «مدبر که قانون بد می‌نهد/ ترا می‌برد تا به دوزخ
دهد». دوزخ، حرمان به هدف نرسیدن‌هاست. قانون نیز مجموع
آیین‌ها و شیوه‌های سلوک بوده است. موضوع دیگری که در حوزه
برنامه‌ریزی مطرح می‌شود، طبقه‌بندی اطلاعات است. سعدی
در این باره می‌گوید «تنی چند از بندگان سلطان محمود گفتند:
حسن میمندی را که سلطان امروز تو را چه گفت در فلان مصلحت؟
گفت: بر شما هم پوشیده نباشد. گفتند: آنچه با تو گوید، با امثال
ما گفتن روا ندارد... گفت: به اعتماد آن که داند که با کس نگویم،
پس چرا می‌پرسید؟».

سعدی در ضمن حکایتی از زبان گله بان دارا، پادشاه ساسانی را
چنین توصیف می‌کند:

مرا گله بانی به عقل است و رای تو هم گله‌ی خویش باری
بیای

در آن تخت و ملک از خلل غم بود که تدبیر شاه از شبان کم بود

(بوستان سعدی، ۵۳، ۱۳۸۱)

مولانا نیز در اشعار خود به زیبایی به برنامه‌ریزی و نظم اشاره کرده
است. آنجا که می‌گوید

مقالاتی که بیشتر برای حاکمان عصر خود نوشته‌اند به این مهم اشاره کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان بیان داشت که برنامه‌ریزی به‌عنوان اصلی از اصول مدیریت همگام با توجه ویژه قرآن به آن، ادبای پارسی نیز با قلم خود به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در بیشتر آثار اندیشمندان ایرانی حتی قبل از اسلام نیز اهمیت دادن و بیان ضرورت برنامه‌ریزی به چشم می‌خورد.

منابع

قرآن کریم

آذر نوشی، امیر هوشنگ (۱۳۸۶) کندوکاوی در مدیریت علوی (مبتنی بر برنامه پنجاه و سوم نهج‌البلاغه)، مرکز پژوهش‌های صداوسیما.

آراسته، ناصر، (۱۳۳۱)، نیم‌نگاهی به مدیریت و برنامه در قرآن، تهران: انتشارات سبز ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸.

آقایی، علی‌اکبر و فاطمه شاه با زاده (۱۳۹۶) برنامه‌ریزی در اسلام، *اولین اجلاس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم انسانی و بانکداری اسلامی*، تهران، موسسه پیشاهنگان دانش،

آیت الهی علیرضا (۱۳۷۷) اصول برنامه‌ریزی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران

تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه‌بودجه ناجا، دفتر. (۱۳۸۵). اصول و مبانی برنامه‌ریزی. *فصلنامه علمی ترویجی توسعه‌سازمانی پلیس*، ۴۳-۶۱، (۷) ۱۳۸۵.

سعدی، شیخ مشرف الدین مصلح ابن عبدالله (۱۳۸۱) بوستان سعدی، چاپ سوم، نشر نیایش، تهران.

سید قطب (۱۳۸۵) فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، چاپ سوم، نشر احسان، تهران.

سید عبودی، سیدعبدالرسول (۱۳۸۷) بررسی برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک در سازمان، *اولین اجلاس پژوهشی ایران*، تهران،

خردمندان‌های انجام دهند تا لیاقت بر تخت نشستن و شاه ایران شدن را پیدا کند.

قرآن به‌عنوان کتابی آسمانی و راهنمای بشریت در بسیاری از آیات به برنامه‌ریزی و اهمیت زمان اشاره کرده است و دنیا را مزرعه آخرت خوانده و بر اهمیت هدف در زندگی تأکید کرده است. سوگند خوردن خداوند به زمان، شب و روز نشان از اهمیت زمان و ضرورت برنامه‌ریزی در جهت استفاده بهینه از آن است. همچنین در بیشتر آیات قرآن حاکمان جامعه را با آوردن داستان حاکمان پیشین مورد اندرز قرار داده و بر ضرورت برنامه‌ریزی تأکید کرده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

اسلام، دین زندگی است و احکام و تعالیم حیات‌بخشی را برای بشر فراهم کرده تا بتواند اعمال خود را به‌درستی انجام دهد. هیچ‌کدام از ابعاد فردی و اجتماعی انسان، تهی از آموزه‌های وحیانی نیست. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی که برای بشریت آمده بر مسئله برنامه‌ریزی تأکید و پافشاری نموده است. با بررسی آیات قرآنی و زندگی پیامبر معظم اسلام صلی‌الله علیه و سلم و زندگی اصحاب گران‌قدر ایشان به‌خوبی می‌توان به نقش و اهمیت مدیریت و در رأس آن‌ها برنامه‌ریزی پی برد، نزول تدریجی قرآن کریم و بیان دین به مردم به‌صورت نظم و برنامه‌ای مشخص از سوی پیامبر اسلام نشان از اهمیت برنامه‌ریزی و جایگاه آن در اسلام دارد.

درعین حال با بررسی متون فارسی و نوشته‌های ادبا و اندیشمندان پارسی‌زبان نیز می‌توان به اهمیت و جایگاه مدیریت و برنامه‌ریزی نزد آن‌ها پی برد بررسی کتاب‌هایی چون کلیله و دمنه و کتاب‌هایی چون گلستان و بوستان سعدی و دیگر اندیشمندان ایرانی به‌خوبی می‌توان به اهمیت مدیریت و توجه ویژه آنان به برنامه‌ریزی به‌خصوص در دوره بعد از اسلام با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی پی برد.

درحالی‌که اندیشمندان غربی در قرن‌های اخیر نسبت به پایه‌ریزی اصول مدیریت و اصول برنامه‌ریزی مبادرت کردند قرآن در چهارده قرآن پیش این اصول را به جهانیان عرضه کرده و اندیشمندان و ادبای مسلمان ایرانی نیز به آن بسیار اشاره کرده و در کتاب‌ها و

شیخ لووند، فاطمه، مستعلی زاد، ته‌مینه (۱۳۹۵) بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۸(۳۲)، ۱۳۷-۱۶۰.

رنجبر کلهرودی، عباس (۱۳۸۳) اندیشه‌های مدیریت ایرانی، مدیریت و جلوه‌های آن در آثار سعدی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

حسینی، سید جواد (۱۳۸۷) اهمیت، ضرورت و فوائد برنامه‌ریزی در اسلام، ماهنامه پاسدار اسلام، اسفند و فروردین (۱۳۸۸(۳۲۷).

عترت دوست، محمد. (۱۳۸۹). جایگاه برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی از منظر آیات و روایات. فصلنامه علمی ترویجی توسعه‌سازمانی پلیس، ۱۰۸-۱۲۶، ۱۳۸۹(۳۳).

محمدعلی فقیه نیا؛ حسینعلی بهرام زاده؛ مهشاد عرفانی (۱۳۹۴) جایگاه برنامه‌ریزی از دیدگاه قرآن و عترت، سومین اجلاس بین‌المللی پژوهش‌های نوین مدیریت. اقتصاد و علوم انسانی.

مجیدی، علی (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی اصول مدیریت در قرآن و ادب فارسی، فصلنامه جهان نوین، سال دوم، شماره سوم، پیاپی هفتم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۲-۲.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۱) تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ج ۱، ص ۳۹، ترجمه علی‌اصغر حلبی، تهران

نصیری، فخرالسادات؛ سید رسول عمادی؛ فاطمه اقبال مهران و سهیلا قلی زاده (۱۳۹۱) اهمیت مدیریت و وظایف مدیریتی در دیدگاه اسلام، همایش بین‌المللی دین در آینه هنر، همدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.